

مکان و زمان قربانی از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه و نقد و بررسی قربانی در خارج از منا

محمد حسین واتقی‌راد^۱

چکیده

قربانی از اعمال ضروری حج است که زمان و مکان ویژه‌ای دارد. هرچند از دو شرط زمان و مکان در همه کتاب‌های فقهی بحث شده، اما به صورت تطبیقی و از این نظر که آیا قربانی تا آخر ذی حجه جایز و مکفی است یا خیر، آیا منا موضوعیت دارد یا خیر، و آیا ترتیب، حکم تکلیفی یا وضعی است، تا کنون بحث نشده است.

نویسنده در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای دیدگاه و آرای مذاهب اسلامی در خصوص شرط زمان و مکان و اینکه منا موضوعیت دارد یا خیر و دلایل آنها را تحقیق و نقد و بررسی کرده است.

فقه‌های شیعه روزهای قربانی را چهار روز دانسته‌اند. در این خصوص دو دسته روایات وجود دارد که مدت آن را برخی سه و برخی چهار روز گفته‌اند. حق در جمع روایات آن است که قربانی تابع رمی است که برای برخی سه روز، و برای بعضی چهار روز است. بین حلق و قربانی، ترتیب شرط، و رعایت نکردن آن گناه است و برخی گفته‌اند کفاره دارد.

۱. سطح ۴ حوزه‌های علمیه - عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران.

همچنین در تأخیر آن تا آخر ذی حجه اختلاف نظر است. بسیاری تأخیر را جایز و مجزی، و برخی غیر جایز، اما مکفی دانسته اند. این اختلاف مبتنی بر آن است که آیا ایام قربانی بالأصله ایام منا است یا بالعرض؟

شیعیان قربانی در شب را جایز ندانسته اند و به اتفاق گفته اند که قربانی باید در منا انجام شود. این فتوا امروزه، که قربانی در خارج از منا انجام می شود، چالش برانگیز است. در نتیجه باید تحقیق شود که آیا منا موضوعیت دارد یا خیر، با بررسی هایی که انجام گرفت، مشخص شد که منا موضوعیت ندارد و آیه یا روایتی بر آن دلالت نمی کند.

اهل سنت درباره زمان و مکان قربانی اختلاف نظر دارند. مالکی ها می گویند زمان قربانی سه روز، مکان آن منا و ترتیب شرط است؛ حنفی ها و حنبلی ها می گویند سه روز، در حرم، در روز و ترتیب شرط است و شافعی ها زمان قربانی را چهار روز، در حرم و شب را هم جایز می دانند و می گویند که ترتیب شرط نیست.

کلید واژه ها: قربانی، منا، ایام تشریق، ترتیب، مذاهب خمس

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

زمان و مکان در قربانی شرط اصلی است؛ حال باید بررسی کرد که محدوده و شرایط مکان و زمان قربانی چیست، آیا مکان و زمان خاص موضوعیت دارد یا خیر و دلایل هر کدام چیست. در این باره بین مذاهب پنجگانه اسلامی اختلاف نظر است.

تاکنون در این خصوص به صورت تطبیقی و مستقل پژوهشی نشده است و شرایط امروز حج اقتضا می کند که چنین پژوهشی انجام شود. بنابراین نویسنده به صورت تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به این موضوع پرداخته و مباحثی از جمله موضوعیت منا در قربانی، حکم تکلیفی و وضعی، ترتیب و توسعه زمانی و حکم تکلیفی تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه را نقد و بررسی کرده است. مبنای این اختلاف آن است که آیا منا برای قربانی در حج تمتع موضوعیت دارد یا خیر؟ اگر ثابت شود

که مکان قربانی حرم است، در این صورت قربانی باید خارج از منا و در محل فعلی قربانگاه انجام شود؛ چنان که اهل سنت گفته اند. در این صورت آیا اشکالی در حج ایجاد نمی شود؟ اگر ثابت شود که منا در قربانی موضوعیت دارد، باید دانست که حکم قربانی خارج از منا چیست؟

از روزگار تشریع تاکنون قربانی حج تمتع در منا انجام می شده و به دلیل محدودیت جمعیت و وسعت منا، قربانی خارج از منا منتفی بود؛ اما امروز به دلیل توسعه جمعیت و محدودیت منا قربانی خارج از منا انجام می شود. از این رو لازم است حکم فقهی این موضوع و استنادات آن روشن شود. در موضوع مکان قربانی سه نوع روایات رسیده است: منا، مکه و حرم. به همین جهت بین مذاهب پنجگانه اسلامی اختلاف نظر است.

بررسی دیدگاه مذهب شیعه

۱. مکان قربانی

الف) منا

طبق بررسی ها، فقهای شیعه متفقند ذبح باید در منا باشد. در کتاب های فقهی گذشته، از حکم ذبح خارج از منا بحث نشده و کسی آن را جایز ندانسته و این از مسائل مستحدثه است. بنابراین در اینکه باید در منا ذبح انجام شود، ادعای اجماع شده است؛ چنان که علامه حلی می گوید: «علمای شیعه همین را گفته اند». (علامه حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۱، ص ۱۷۲)، صاحب مدارک نیز می گوید: «وجوب ذبح در منا سخن قطعی علمای شیعه است» (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ج ۸، ص ۱۹). وی از کلام علامه از منتهی و تذکره استنباط کرده که این حکم اجماعی است. بحرانی (۱۴۰۵ ق، ج ۱۷، ص ۴۳)، حائری طباطبایی (۱۴۱۸ ق، ج ۶، ص ۴۰۰) و صاحب جواهر (۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۱۲۰) نیز گفته اند این حکم اجماعی است.

مطابق بررسی فتوای فقهای پیشین، ذبح باید در منا انجام شود و در این باره مخالفتی مشاهده نشد؛ در نتیجه اجماع محصل است. اینکه این اجماع مطابق ادله است، یا شرایط روزگار گذشته چنین اقتضا داشته، یا اینکه منا موضوعیت دارد و خارج منا مطلقاً جایز نیست، باید بررسی شود.

استنادات

مستندات فتوای فقها روایاتی است که واژه منا در آن آمده و به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: برخی روایات می‌گویند قربانی حج تمتع باید در منا ذبح شود و خارج از منا جایز نیست؛ مانند روایت ابراهیم کرخی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «هدی واجب جز در منا ذبح نشود و قربانی مستحب در مکه ذبح شود». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۸۸)

در این روایت تصریح شده است که قربانی واجب را باید در منا، و قربانی که اشعار یا تقلید شده در روز عید اضحی و قربانی مستحبی را در مکه ذبح کنند. این روایت از نظر سند، صحیحه است. روایت شعیب عرقوفی درباره عمره نیز بر این موضوع دلالت دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۹۲)

گروه دوم: روایاتی می‌گویند قربانی در مکه ذبح شود.

مقابل این روایات، معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «تمام مکه محل ذبح قربانی است». (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۶۴) هرچند در این روایت تصریح شده که محل قربانی مکه است، اما استدلال به آن از چند جهت ناتمام است: یک - در سند این روایت، ابراهیم بن هاشم قرار دارد که به صراحت توثیق نشده و در اعتبار وی اختلاف نظر است. (اردبیلی، ۱۳۳۱ش، ج ۱ ص ۳۸)

دو - گرچه این روایت را می‌توان تلقی به قبول کرد، اما دلالت آن بر قربانی در حج تمتع روشن نیست. از این رو شیخ طوسی آن را بر قربانی مستحبی و عمره حمل کرده است؛ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۲) چنان‌که روایت ابراهیم کرخی و روایت ابان بن عبدالاعلی از امام صادق علیه السلام بر آن دلالت دارند. (همان، ج ۵، ص ۲۱۴)

سه - کسی بر اساس آن فتوا نداده و متروک است.

افزون بر روایات و اجماع نیز می‌توان به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، معصومین علیهم السلام، فقها، علما و مسلمین بر لزوم قربانی در منا استدلال کرد.

نتیجه: محل ذبح قربانی به دلیل روایات، سیره و اجماع مناست و جواز و کفایت قربانی خارج از منا دلیل استوار می‌طلبد.

ب، خارج از منا

بدیهی است که منا تا عصر حاضر گنجایش قربانی‌کننده، مصرف‌کننده و دام‌ها را داشت و همه آنجا حضور داشتند. بنابراین بحث از قربانی خارج از منا منتفی بود. سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، معصومان علیهم السلام، فقها و مسلمین بر این حمل می‌شود که قربانی خارج منا منتفی بوده است؛ اما امروز که منا این گنجایش را ندارد، این بحث ضروری است که آیا قربانی خارج از منا جایز و مجزی است یا خیر؟ دلیل جایز نبودن آن چیست؟

جواز و کفایت قربانی خارج از منا بر این مبنا استوار است که آیا منا در قربانی حج تمتع موضوعیت دارد یا خیر؟ اگر موضوعیت ندارد و روایات بر حسب شرایط آن روز گفته‌اند که قربانی باید در منا ذبح شود، در این صورت ذبح خارج از منا اخلاقی در حج ایجاد نمی‌کند و جایز است؛ اما در فرض موضوعیت منا، آیا به استناد شرایط و ضرورت امروز می‌توان از این موضوعیت دست برداشت و بر اساس حکم ثانویه گفت

که قربانی خارج از مناسکال ندارد؟

امروزه که قربانی خارج از مناسکال انجام می شود و همگان گفته اند اسکال ندارد، آیا این جواز براساس حکم اولیه است یا به اقتضای ضرورت؟ بر فرض ضرورت باید بررسی شود که کجا و چگونه می توان از حکم اولیه دست برداشت؟ پس موضوع ذبح قربانی در منا یا خارج از آن را می توان از دو جهت و با دو نگاه بحث و بررسی کرد:

نگاه اول: قربانی در منا تعین و موضوعیت دارد؛ چنان که بسیاری از اعمال حج، چون طواف دور کعبه و...، تعین و موضوعیت دارند و قابل تغییر نیستند و نیز اصل قربانی و بودن آن از انعام سه گانه موضوعیت دارد.

موضوعیت قربانی در منا را از سه طریق می توان ثابت کرد:

یک - نص قرآنی یا روایی بر آن دلالت کند؛ چنان که درباره قربانی انعام ثلاثه نص وجود دارد.

دو- اخذ منا و محل قربانی در مفهوم لغوی قربانی که با انتفای قربانی در منا مفهوم قربانی تحقق نمی یابد .

سه - وابستگی ماهیت عبادت با مکان و زمان از نظر عقلی که با انتفای مکان و زمان، حقیقت آن عبادت تحقق نیابد؛ همانند نماز عید قربان، نماز جمعه و... . از این سه راه می توان شناخت که منا موضوعیت دارد یا خیر.

طریق اول: نص قرآنی و روایی

نص قرآنی و روایی بر این موضوع که قربانی باید در منا ذبح شود، وجود ندارد. در سه جای قرآن از قربانی یاد شده است:

آیه اول:

﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا

رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ... ﴿١٩٦﴾ (بقره: ۱۹۶)

حج و عمره را برای خدا کامل کنید. اگر محصور شدید آنچه از هدی در توان دارید انجام دهید. تا زمانی که هدی به محل خود نرسیده سرنتراشید (حلق نکنید).

در این آیه، واژه هدی سه بار تکرار شده که حکم حصر، قرآن و تمتع را بیان کرده و در آن از منایاد نشده است. تنها در این آیه آمده که قربانی مکانی دارد که باید به آنجا برسد و این مکان می تواند منایا حرم باشد.

آیه دوم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ﴾. (مائده: ۲)

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، شعائر الهی و ماه حرام و هدی و شتران قربانی را روا نشمارید.

در این آیه نیز واژه هدی آمده؛ اما از مکان آن یاد نشده است.

آیه سوم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالْغُلَبَةِ...﴾. (مائده: ۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید، درحالی که محرم هستید صید نکنید. کسی که عمداً این کار را انجام دهد، جزایش آن است که همانند آن از انعام کفاره دهد، دو نفر عادل به این موضوع داوری کنند؛ هدیی که به کعبه برسد.

در این آیه از حرکت هدی تا کعبه سخن گفته شده است. منظور از هدی در این آیه، کفاره صید است. ضروری است که منظور از کعبه، خانه کعبه نیست؛ چنان که

هیچ‌کسی از شیعه یا اهل سنت چنین استنباطی نکرده است. عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که اگر در عمره بوده، باید در مکه، مقابل خانه کعبه، و اگر در حج بوده باید در منا ذبح شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۸۴) از این آیه و آیه نخست می‌توان استنباط کرد که قربانی حج و قربانی کفاره صید در حج محلی دارد؛ اما آن محل به صراحت بیان نشده و باید آن را به وسیله روایات شناخت.

در نتیجه از این آیات استنباط نمی‌شود که محل ذبح قربانی حج تمتع مناست؛ چه رسد به آنکه موضوعیت آن ثابت شود.

در روایات نیز هرچند دلالت می‌کنند که قربانی حج تمتع باید در منا قربانی شود، اما تا جایی که بررسی و پژوهش شد روایتی وجود ندارد که به صراحت دلالت کند که منا موضوعیت دارد؛ بلکه برخی روایات دلیل‌اند که منا موضوعیت ندارد؛ از جمله روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام در باره کسی که فراموش کرده بود در منا قربانی کند و در مکه قربانی کرد و حضرت فرمود: اشکال ندارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۰۵) کفایت قربانی در مکه دلیل است که منا موضوعیت نداشته که اگر می‌داشت، می‌فرمود باید در منا قربانی شود.

مجموعه اعمال حج و عمره نیز اشعار دارند، بلکه دلیل‌اند که ذبح قربانی در منا موضوعیت ندارد؛ زیرا در حج قرآن اگر قربانی پیش از رسیدن به منا تلف شد یا توان حرکت و حمل آن نبود یا محصور یا مصدود شد و همان جا ذبح گردید، کفایت می‌کند و در حج تمتع امکان تبدیل قربانی به روزه نیز وجود دارد.

در نتیجه هیچ روایتی وجود ندارد که بگوید منا در قربانی حج تمتع موضوعیت دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر خارج از منا ذبح شد قربانی به آن اطلاق نمی‌شود یا باید قضا شود.

هرچند سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، معصومین علیهم السلام و مسلمین این بوده که در منا قربانی انجام می‌شده، اما دلیلش این بوده که حاجیان در روز قربانی در منا بودند و قربانی‌ها

نیز در منا نگهداری، خریداری و تهیه می‌شدند و آنجا گنجایش همه را داشت. حال به دلیل اختلاف شرایط عصر حاضر با گذشته، نمی‌توان ثابت کرد که منا موضوعیت و تعیین داشته است.

طریق دوم: دخالت زمان و مکان در تحقق مفهوم لغوی قربانی

این موضوع زمانی است که دخالت زمان و مکان در مفهوم لغوی لحاظ شده باشد و عنصر زمان و مکان از قربانی انفکاک ناپذیر باشد؛ مثل نماز جمعه، نماز عید قربان، طواف دور کعبه و... در این موارد از منظر واژه‌نگاری و وضع لغوی مفهوم زمان و مکان در تحقق خارجی آن دخالت دارد؛ بی‌آنکه آیه یا روایتی بر آن دلالت کند. بدیهی است که زمان و مکان در تحقق مفهوم قربانی دخالت ندارد.

طریق سوم: ضرورت حکم عقل بر دخالت زمان و مکان در تحقق قربانی

در این موضوع نیز هیچ ضرورت و حکم عقلی‌ای وجود ندارد که بگوید قربانی حتماً می‌بایست در ایام منا و در خود منا انجام شود؛ مثل حکم عقل که می‌گوید: هر عبادتی باید با قصد اطاعت دستور خداوند انجام شود یا نماز جمعه می‌بایست در روز جمعه برگزار شود و اگر نشد روز شنبه قضا ندارد و مثل نماز تحیت مسجد که از نظر عقلی نمی‌توان نماز تحیت یک مسجد را در مسجد دیگری جای دیگر خواند. بنا بر آنچه گذشت نمی‌توان از سه طریق مذکور موضوعیت منا را برای قربانی اثبات کرد؛ اما بر فرض اثبات موضوعیت منا، از دوراه می‌توان از این موضوعیت خارج شد و حکم ثانویه را اعمال کرد و بر کفایت قربانی در خارج از منا فتوا داد:

اول- ضرورت ذبح در خارج از منا

اگر ثابت شود که منا در قربانی حج تمتع موضوعیت دارد، باید از قربانی خارج منا بر حسب ضرورت بحث شود. ضرورت قربانی خارج از منا زمانی تحقق می‌یابد که

امکان قربانی در منا وجود نداشته باشد؛ چنان که محصور و مصدود انجام می دهند و امروز با توجه به شرایط موجود، منا گنجایش اسکان حاجیان را ندارد؛ چه رسد به قربانی و ذبح. بنابراین اگر آیات و روایات بر جواز قربانی خارج از منا دلالت نکنند، ضرورت اقتضا می کند که قربانی خارج از منا جایز است و حکم ثانویه حاکم می شود.

دوم - عرف مسلمین، ذبح قربانی در خارج از منا

بر فرض دلالت آیه و روایات بر موضوعیت منا، عرف مسلمین نیز اقتضا می کند قربانی همان جا که دیگر مسلمانان ذبح می کنند، ذبح شود و امروز عرف مسلمین آن است که در محلی که تعیین شده ذبح شود و کفایت می کند.

نگاه دوم: منا موضوعیت ندارد؛ اما شرایط آن روز که حاجیان و قربانی و مصرف کننده همه در منا حضور داشتند، اقتضا داشت که در آنجا قربانی انجام شود و یادکرد منا در روایات، سیره پیامبر معصومین علیهم السلام، فقها و مسلمین نیز برای همین جهات بوده است؛ اما امروز که شرایط جدیدی پیش آمده، قربانی خارج از منا با سه شرط جایز است:

یک- در حرم باشد و در مجموعه اعمال حج انجام شود.

دو- متعارف باشد؛ یعنی جایی که برای قربانی اختصاص یافته، خارج از عرف مسلمین نباشد.

سه- الأقرب فالأقرب رعایت شود؛ یعنی اگر چند مجموعه و مکان برای قربانی اختصاص یافت، مجموعه ای انتخاب شود که نزدیک ترین باشد؛ اما در یک مجموعه، رعایت الأقرب لازم نیست.

با انتفای موضوعیت قربانی در منا و اقتضای شرایط جدید، رأی مختار آن است که منا موضوعیت ندارد و اگر قربانی خارج از منا و در حرم ذبح شود کفایت می کند؛

هرچند در صورت امکان ترجیح دارد در منا انجام شود. دیگر مذاهب نیز، جز مالکی ها، حرم را ملاک می دانند و منا در نظر آنها موضوعیت ندارد که در بحث زمان قربانی بیان خواهد شد.

۲. زمان قربانی

عنصر زمان از قربانی انفکاک ناپذیر است. در دخالت عنصر زمان در قربانی چند فرض متصور است:

الف) زمان معین از ارکان تشکیل دهنده قربانی است و موضوعیت دارد؛ تا جایی که ماهیت قربانی بدون آن زمان تحقق نیابد.

ب) قربانی از اعمال عبادی و اقتصادی حج است و باید در زمانی انجام شود که دیگر اعمال حج در آن زمان انجام می شوند. اتصال و توالی نیز شرط است تا همه در یک مجموعه قرار گیرند. در این صورت قربانی باید در ایام حضور در منا انجام شود و پس از آن جایز نیست.

ج) زمان قربانی مطلق است و حاجی پس از به جا آوردن حج، تا آخر ذی حجه هر وقت خواست می تواند انجام دهد.

فرض اول قابل اثبات نیست و دلیلی بر آن وجود ندارد. هرچند قربانی بر حسب ضرورت نمی تواند خارج از زمان و مکان انجام شود، اما عنصر زمان در تحقق هویت قربانی دخالت ندارد. آن گونه نیست که حقیقت قربانی در زمان معین تحقق یابد؛ بلکه باید در مجموعه اعمال حج و در جای خود انجام شود.

فرض دوم: در تعیین و گستره زمان قربانی، قطع نظر از روایات، دو موضوع دخالت مستقیم دارند:

یک- قربانی، با قطع نظر از ارتباط آن با دیگر اعمال حج، باید در زمان معین انجام

شود؛ چنان که وقفین چنین هستند و باید در محدوده زمانی که دیگر اعمال حج انجام می‌شود، انجام گیرد و خارج از آنها نباشد. در این فرض دخالت زمان در قربانی بالأصله است؛ یعنی زمان خاصی دارد. بنابراین هرچند عنصر زمان در تحقق ماهیت قربانی دخالت ندارد، اما از شرایط آن است.

دو- هرکدام از اعمال حج دو هویت دارد: یکی هویت انفرادی که تعریف خاص خود را دارد و دوم هویت جمعی؛ یعنی هرکدام از اعمال حج در ارتباط با دیگر اعمال، از نظر تقدیم و تأخیر و ترتیب و توالی، جایگاه ویژه دارد و حتماً باید در همان جایگاه انجام شود؛ وگرنه اعمال درست انجام نشده، گاهی موجب بطلان دیگر اعمال نیز می‌شود.

قربانی نیز چنین است که هرچند مقید به زمان خاص نیست، اما از آنجا که باید از نظر تقدیم و تأخیر در مجموعه اعمال حج و در جای خود انجام شود، با توجه به اینکه دیگر اعمال حج زمان مند هستند، قربانی نیز به تبع آنها و بالعرض زمان مند خواهد بود. نتیجه بالأصله یا بالعرض بودن دخالت و شرط زمان در قربانی، آنجا ظاهر می‌شود که قربانی بالأصله در جای خود انجام نشود. اگر گفتیم قربانی بالأصله زمان مند است و در زمان معین انجام نشود، کفایت نمی‌کند و باید جبران شود؛ اما اگر بالعرض زمان مند باشد، در این صورت اگر در جای خود انجام نشود، در صحت قربانی اخلال ایجاد نمی‌شود و از این جهت که ترتیب رعایت نشده، اخلال ایجاد می‌شود و از این رو باید رعایت ترتیب جبران شود.

این دو موضوع، زمان قربانی را تعیین می‌کند و مبنای فتوا بر جواز یا عدم جواز خارج از زمان مجموعه اعمال حج قرار می‌گیرد و در نتیجه هر فقهی می‌تواند بر اساس این مبنا فتوا دهد.

در نتیجه از زمان قربانی از دو جهت بحث می‌شود: توسعه زمانی، ترتیب و توالی. فرض سوم: قربانی زمان خاصی ندارد و حاجی در طول ذی حجه، هر وقت خواست

می تواند انجام دهد.

توسعه زمانی و استنادات

درباره ایام ذبح در مذهب شیعه پنج مسئله اتفاقی است و فقیهان بر آن فتوا داده اند.

- پیش از روز عید جایز نیست؛
- ایام ذبح چهار روز است که از روز عید شروع می شود؛
- در شب جایز نیست؛
- اگر نتوانست در این چهار روز قربانی کند در طول ذی حجه جایز و مجزی است؛
- پس از ذی حجه جایز نیست.

استنادات

از پنج موردی که بیان شد، فقط یکی از آنها در روایات به طور مستقل و صریح آمده و آن این است که ایام ذبح در مناسه یا چهار روز است و باقی موارد استنباط و اجتهاد بوده است. در خصوص ایام ذبح نیز دو گروه روایات وجود دارد:

گروه اول: روایاتی که می گویند ایام ذبح در مناسه روز است. کلیب اسدی، محمد بن مسلم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۸۷)، محمد بن غیاث (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۶۴) و منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۴) روایت کرده اند که ایام قربانی در مناسه روز است. از این روایات استفاده می شود که قربانی، با قطع نظر از ترتیب، باید در این سه روز انجام شود.

گروه دوم: روایاتی که می گویند ایام ذبح چهار روز است؛ مانند روایت علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام (همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۶۴) و روایت عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام. (همان جا)

ظاهر این است که این دو گروه باهم تعارض دارند؛ اما فقها بین آنها جمع کرده و به هر دو فتوا داده‌اند.

شیخ طوسی دسته اول را به روزهایی معنا کرده که نمی‌شود در آن ایام به جای قربانی روزه گرفت. (همان، ج ۲، ص ۲۶۳) وی شاهد و دلیلی بر اثبات این موضوع نیاورده و به نظر می‌رسد این توجیه مقبول نیست و صرفاً احتمال و استحسان است. با توجه به آنکه سند هر دو گروه صحیح است، باید جمع محتوایی صورت گیرد. از این رو چهار توجیه امکان پذیر است که با ظاهر روایات نیز سازگار است:

یک - ایام قربانی در منا همان ایامی است که رمی جمرات می‌شود که برای برخی سه روز، و برای بعضی از این رو چهار روز است؛ یعنی قربانی تابع رمی است. دو - اصل اولیه آن است که قربانی در همان سه روز حضور در منا انجام شود؛ اما اگر حاجی به هر دلیلی نتوانست انجام دهد، روز چهارم نیز مجزی است و اگر عمداً به تأخیر انداخت گناه نکرده است.

سه - افضل آن است که در سه روز انجام شود. چهار - روایاتی که گفته‌اند سه روز است، با فتوای برخی از فقهای اهل سنت موافق است و ممکن است از باب تقیه صادر شده باشد.

توجیه اول، دوم و سوم خالی از وجه نیست؛ اما توجیه چهارم بعید است. رأی مختار آن است که توجیه اول ترجیح، بلکه تعین دارد و قربانی تابع رمی است. این موضوع با روایات عدم جواز قربانی در شب، جز برای کسانی که در شب رمی می‌کنند، تأیید می‌شود.

۳. زمان و ترتیب

در موضوع دخالت زمان در قربانی دو بحث است:

یک- قربانی از نظر زمانی در چه روزهایی باید انجام شود که در توسعه زمانی از آن بحث می شود.

دوم- قربانی از مجموعه اعمال حج است و جایگاه آن از نظر ترتیب کجاست. همه به اتفاق گفته اند باید رمی جمره عقبه، قربانی و حلق یا تقصیر به ترتیب انجام شوند؛ اما اینکه این ترتیب واجب است یا مستحب و در صورت وجوب، محل دیگر اعمال حج است یا خیر، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: وجوب ترتیب

این بحث از زمان شیخ طوسی آغاز شده و سخن وی محل استناد دیگر فقها قرار گرفته است.

از شیخ طوسی دو نوع فتوا نقل شده است؛ وی در برخی از کتاب هایش ترتیب را واجب دانسته، اما گوید ترتیب با ذبح یا دست کم اگر خریداری شد و کنار زاد و توشه قرار گرفت محقق می شود. وی می افزاید اگر ترتیب رعایت نشد کفاره ندارد.

شیخ در مبسوط می نویسد حلق پیش از ذبح یا رسیدن قربانی به محل خود، که همان تهیه و قرار دادن کنار اثاثیه است، جایز نیست. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۷۵) وی در نهاییه نیز همین عبارت را آورده، و افزوده است: «اگر از روی نسیان انجام داد چیزی براو نیست». (همو، ۱۴۰۰ق، ص ۲۵۷)

از این عبارت او استنباط می شود که اگر قربانی را تهیه کرد و کنار وسایل خود قرار داد (قربانی تعیین پیدا کرد) و آماده ذبح شد کفایت می کند و از این رو می تواند حلق یا تقصیر را انجام دهد. وی با استناد به آیه شریفه ﴿هَدْيًا بِالْعِزَّةِ﴾، آورده که این آیه در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام به خریداری قربانی و کنار زاد و توشه قرار گرفتن آن تفسیر شده است و در نتیجه ذبح شرط نیست؛ بلکه تهیه و تعیین قربانی

شرط است. این شرط امروزه قابل تحقق نیست؛ زیرا با توجه به شرایط امروز، قربانی زمانی تعیین پیدا می‌کند که در مسیر ذبح قرار گیرد. وی در کتاب‌های دیگرش (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۴۵؛ همو، ۱۳۷۵ق، ص ۳۰۷؛ همو، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۲؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۸۴) نیز بروجوب ترتیب فتوا داده است.

دیدگاه دوم: استحباب ترتیب

شیخ در کتاب خلاف، که دیدگاه‌های مذاهب اهل سنت و شیعه را به صورت تطبیقی و با هم بیان کرده، تصریح کرده که این ترتیب مستحب است. (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۵) وی موضوع را اتفاقی دانسته و دلیل دیگری بر آن نیاورده است. شیخ در تبیان از این فراتر رفته، نوشته است: «رمی جمره و حلق و تقصیر از مستحبات است». (همو، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۶)

در نتیجه شیخ طوسی دو فتوای متعارض داشته و در تاریخ فتوا چالش به وجود آورده است؛ اما اینکه در طول زمان از فتوای اول برگشته باشد نیز بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا این موضوع زمانی ثابت می‌شود که خلاف و تبیان را پس از همه کتاب‌هایش نوشته باشد.

در مقام تعارض بین سخنان شیخ در مبسوط و نهاییه (که کتاب استدلالی و ویژه بیان احکام است) و تهذیب و استبصار (که آمیزه‌ای از فتوا و روایات است) با کتاب خلاف یا تفسیر (که بیشتر دیدگاه‌های اهل سنت را بیان کرده)، کتاب‌های فتوایی وی ترجیح دارد؛ زیرا کتاب خلاف و تفسیر تبیان برای بیان فتوا نوشته نشده است. احتمال دارد وی به اقتضای اهل سنت آن را گفته باشد یا منظور وی از استحباب ترتیب، حکم وضعی باشد؛ یعنی در صحت حج اشکال ایجاد نمی‌کند و کفاره ندارد.

استدلال وی در خلاف که فرمود «اتفاقی است که اگر کسی مقدم داشت، چیزی براو نیست»، دلیل است که منظور از استحباب ترتیب، حکم وضعی است، که کفاره

ندارد؛ نه حکم تکلیفی. آنچه محل اتفاق فقهاست نیز همین عدم کفاره است. پس می توان نتیجه گرفت که شیخ طوسی براستحباب تکلیفی فتوا نداده است.

برخی دیگر با پیروی از شیخ طوسی در این فتوا، براستحباب ترتیب فتوا داده اند؛ از جمله ابوصلاح حلبی در *الکافی فی الفقه*، که صرفاً یک کتاب فتوایی بدون استدلال است، ترتیب را شرط یا واجب ندانسته (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۰) و ابن ادریس حلی پس از آنکه سخن شیخ از مبسوط و تبیان را آورده براستحباب فتوا داده است. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۰۲) شهید اول نیز در دروس پس از نقل فتوای شیخ در خلاف که ترتیب را مستحب دانسته، می گوید: «این مشهور است». (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۶) این سخن وی سبب شده که برخی بگویند فتوای به استحباب ترتیب، مشهور است؛ درحالی که احتمال می رود منظور وی از این سخن (و هو مشهور) فتوای شیخ باشد؛ یعنی «اسناد این فتوا به شیخ مشهور است». علامه حلی در *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه* پس از بیان سخن ابن ابی عقیل و سخن شهید می نویسد: «قول به استحباب ترتیب نزد من نزدیک تر است». ایشان به اصل برائت و به روایت عبدالله بن سنان و جمیل بن دراج و احمد بن محمد بن ابی نصر استدلال کرده است؛ (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۸۹) اما دیگران با استناد به همین روایات بر وجوب ترتیب استدلال کرده اند. سبزواری قول به استحباب را ترجیح داده است. (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۶۶۴؛ همو ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۴۷) حق آن است که استدلال علامه به روایات براستحباب، ضعیف است؛ چنان که بیان خواهد شد، این روایات ظهور در استحباب ندارند.

بنابراین روشن شد که شیخ (در خلاف)، و ابن ادریس، حلبی، و علامه (در مختلف) و سبزواری به استحباب فتوا داده اند؛ اما دیگر فقها و همچنین شهید و علامه در دیگر کتاب هایشان ترتیب را واجب دانسته اند.

یک- قرآن

برای اثبات وجوب ترتیب به آیه شریفه ﴿وَلَا تَحْلِفُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾ (بقره: ۱۹۶) استدلال شده است. شیخ براساس همین آیه می‌گوید اگر حاجی هدی را خریداری کند و کنار ااثیه قرار دهد، می‌تواند حلق کند.

در این آیه تصریح شده که حلق نشود، مگر آنکه قربانی به محل خود رسیده باشد. در رسیدن قربانی به محل خود سه احتمال وجود دارد:

اول- به محل ذبح برسد؛

دوم- خریداری شود و تعیین پیدا کند؛

سوم- ذبح شود.

به نظر می‌رسد واژه «محل» به معنای مکان قربانی، یعنی منا یا حرم، نیست؛ زیرا مستلزم آن است که حاجی به محض آنکه قربانی را به منا رساند، می‌تواند پیش از رمی، قربانی کند؛ حال آنکه کسی به آن فتوا نداده است.

تفسیر دوم را شیخ طوسی به استناد روایت ابی بصیر آورده (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۸۴) و علی بن حمزه نیز آن را از امام کاظم علیه السلام روایت کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۰۲) اشکال این مورد آن است که با روایت عمار سبابی (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۸۵) و روایت دیگری که بیان خواهد شد، تعارض دارد.

با بطلان دو احتمال پیشین، احتمال سوم ترجیح می‌یابد؛ زیرا واژه «هدی» زمانی به طور حقیقی بر قربانی اطلاق می‌شود که قربانی انجام شود و هدی تحقق یابد و اهدا شده باشد و «محل» به این معناست که به جایگاه خود رسیده باشد؛ یعنی قربانی شده باشد. تا زمانی که ذبح یا نحر انجام نشده، قربانی و اهدا تحقق نمی‌یابد. بدیهی

است که با صرف سوق دادن و خریداری و نیت، اهدا تحقق نمی‌یابد؛ چنان‌که اگر کسی پس از خریداری و سوق دادن، از قربانی کردن آن منصرف شد یا در نگهداری آنها کوتاهی کرد یا عمداً تلف کرد یا پس از خریداری معلوم شد که شرایط قربانی را ندارد یا خواست تبدیل به احسن کند و...، گویا آن را قربانی نکرده و واژه قربانی درباره آن اطلاق نمی‌شود. در این موارد به کارگیری این واژه درباره آنها حقیقی نیست؛ بلکه مجاز و به اعتبار «مائیول»، است. روایت عمار ساباطی نیز بر همین تفسیر دلالت می‌کند.

از آنجا که واژه‌ها اگر قرینه نباشد، به معنای حقیقی به کار می‌رود، می‌توان گفت «هدی» در این آیه شریفه به معنای حقیقی به کار رفته و در این صورت آیه در احتمال سوم ظهور دارد و تا زمانی که دلیل معتبر برخلاف وجود نداشته باشد، نمی‌توان از آن دست برداشت.

دو- روایات

در وجوب ترتیب، به روایات نیز می‌توان استدلال کرد. در این موضوع سه دسته روایات رسیده است:

گروه اول: وجوب ترتیب

- طبق برخی از روایات ترتیب باید رعایت شود. برخی از این روایات عبارت‌اند از:
- روایت جمیل از امام صادق علیه السلام: در منا اول باید قربانی و سپس حلق انجام شود؛ اما در عقیقه اول حلق، و سپس قربانی انجام می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۹۸)
- روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام: پس از رمی جمره قربانی خود را خریداری کن. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰۴)
- روایت عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام درباره کسی که ترتیب را رعایت نکرده است: اشکال ندارد؛ ولی تکرار نشود. (همان، ج ۵، ص ۲۳۶)

- روایت موسی بن قاسم: پیش از قربانی حلق انجام نشود. (همان، ج ۵، ص ۲۳۷)

- روایت عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که پیش از قربانی حلق کرده بود: قربانی کند و تیغ بر سر بکشد. حضرت در این باره به آیه **وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ** استدلال فرمودند؛ (همو، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۴۸۵) به این معنا که حلق را اعاده کند تا ترتیب رعایت شود.

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام، که به ترتیب انجام می دادند، نیز بر وجوب ترتیب دلالت دارد؛ چنان که ابویوب خزازی می گوید: «امام کاظم علیه السلام را دیدم که اول قربانی کرد، سپس حلق انجام داد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۰۵)

دلالت این روایات بر وجوب ترتیب روشن است.

افزون بر اینها، در دیگر اعمال حج، بلکه در دیگر عبادات که اجزا دارند ترتیب وجود دارد. بنابراین نمی شود گفت که اینجا ترتیب وجود ندارد.

گروه دوم: در صورت نسیان اگر ترتیب رعایت نشد، اشکال ندارد

در برابر روایت پیشین، گروهی دیگر می گویند اگر از روی نسیان و فراموشی، ترتیب رعایت نشود، اشکال ندارد؛ چنان که احمد بن محمد بن ابی نصر به نقل از امام جواد علیه السلام به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد می کند که حضرت درباره گروهی که تقدیم و تأخیر را رعایت نکرده بودند فرمود: «لا حرج». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۳۶) همین روایت را جمیل نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (همان جا) شیخ طوسی روایت احمد را بر نسیان و اینکه عمداً انجام نداده بودند، حمل کرده است. در این صورت این دسته روایات با روایات پیشین منافات ندارند.

گروه سوم: کفایت تهیه و تعیین قربانی در ترتیب

طبق برخی روایات، اگر حاجی قربانی را خریداری کند و کنار زاد و توشه قرار دهد،

می تواند حلق کند. این موضوع را ابوبصیر از امام صادق (ع) (همان جا) و علی بن حمزه از امام کاظم (ع) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۰۲) روایت کرده اند. هرچند بین این روایات و روایات پیشین امکان جمع وجود دارد - به این صورت که اگر قربانی را بخرد و تعیین یابد، می تواند حلق کند - اما از چند جهت دیگر اشکال دارد:

اول- این روایت با روایت عمار ساباطی، که «محلّه» بر ذبح و نحر تفسیر شده (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۸۵)، تعارض دارد.

دوم- در صورتی که «محلّه» را برانجام قربانی معنا کنیم، مخالف با ظاهر آیه است.

سوم- مطابق بررسی ها کسی از فقها به این روایت فتوا نداده است.

چهارم- بر فرض درستی این تفسیر و روایت فوق، امروز نمی توان به آن عمل کرد؛ زیرا نگهداری دام ها و محل ذبح یا نهر دور از محل اقامت قرار دارد و امکان خرید و قرار دادن آن کنار اثاثیه وجود ندارد و باصرف وکالت تعیین پیدا نمی کند. بنابراین موضوعاً منتفی است.

در نتیجه واجب است ترتیب رعایت و حلق یا تقصیر باید پس از ذبح قربانی انجام شود و صرف خریداری و تعیین کفایت نمی کند.

وجوب تکلیفی یا وضعی ترتیب

پس از وجوب ترتیب، این بحث مطرح می شود که آیا این وجوب، وجوب تکلیفی است یا وضعی؛ به این معنا که اگر کسی ترتیب را رعایت نکرد، فقط گناه کرده یا در حج او اخلال ایجاد می شود که باید اعاده کند و كفاره دهد یا هردو؛ یعنی هم وجوب تکلیفی است و هم حکم وضعی؟

دیدگاه اول: حرمت تکلیفی

بیشتر علما گفته اند که فقط حرمت تکلیفی دارد و در حج او اخلال ایجاد نمی شود

و واژگانی مثل «لابأس»، «فلاشئ علیه»، «لا حرج» و... که در روایات آمده، به همین معناست؛ در نتیجه اگر قربانی را پس از حلق انجام داد، فقط گناه کرده و مجزی است.

دیدگاه دوم: حکم وضعی

برابر دیدگاه پیشین، دیدگاه دوم وجود دارد که می‌گوید عدم رعایت ترتیب، افزون بر حرمت، کفاره نیز دارد؛ چنان‌که شهید اول می‌گوید برخی از قول ابن جنید آورده‌اند: «اگر پیش از قربانی حلق کند، باید یک گوسفند کفاره بدهد»؛ (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۵۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۱۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۵۱) اما دلیلی بر این موضوع وجود ندارد و خلاف مشهور است.

۴. زمان قربانی ایام حضور در مناسبت یا تمام ذی حجه

پیش از این گفتیم که هر کدام از اعمال حج، مکان و زمان معین دارد که می‌تواند بالأصله یا بالعرض باشد. زمان قربانی نیز چنین است. نتیجه آنجا ظاهر می‌شود که اگر در جای خود انجام نشود، با توجه به اینکه قربانی باید پس از رمی جمره و پیش از حلق یا تقصیر انجام شود، باید در ایام حضور در منا انجام شود، حال اگر در آن ایام انجام نداد، حکمش چیست؟

همه به اتفاق گفته‌اند اگر در آن سه یا چهار روز قربانی نکرد و تا آخر ذی حجه به تأخیر افتاد کفایت می‌کند؛ اما اختلاف در آن است که افزون بر کفایت، آیا گناه کرده یا خیر؟ این موضوع مبتنی بر آن است که آیا زمان قربانی بالأصله همان ایام مناسبت یا بالعرض. اگر زمان قربانی بالأصله همان سه یا چهار روز باشد، در این صورت چون در زمان خود انجام نشده، حرمت تکلیفی دارد؛ اما اگر زمان قربانی بالأصله تمام ذی حجه باشد، ولی چون ترتیب (پس از رمی و پیش از حلق) باید رعایت شود، لازم است که به تبع حلق در همان ایام حضور در منا قربانی انجام شود. در این صورت

اگر کسی عمداً به تأخیر انداختن از ناحیه تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه مرتکب گناه نشده و صرفاً از ناحیه رعایت نکردن ترتیب مرتکب گناه شده است. در این مسئله اختلاف نظر است.

دیدگاه اول: بیشتر علما گفته‌اند تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه حرمت تکلیفی یا وضعی ندارد. برحسب این دیدگاه قربانی تا آخر ذی حجه توسعه زمانی دارد.

دیدگاه دوم: برخی گفته‌اند تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه گناه است که در این صورت ایام قربانی همان ایام حضور در منا بوده که اگر کسی آن را عمداً به تأخیر انداخته، گناه کرده است.

به نظر می‌رسد نخستین کسی که متعرض این موضوع شده، علامه حلی است. وی در شرایع چنین نوشته است:

ويجب ذبحه يوم النحر مقدماً على الحلق فلو أخره أثم وأجزأ وكذا لو ذبحه في بقية ذي الحجة جاز. (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۵)

واجب است در روز عید قربان پیش از حلق قربانی شود. اگر به تأخیر انداختن گناه کرده؛ اما کفایت می‌کند و همچنین اگر تا آخر ذی حجه قربانی کند کفایت می‌کند.

برخی دیگر از فقها نیز همین فتوا را دارند و عبارت علامه را عیناً آورده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۱۸۱؛ همو، ۱۴۲۰ق، ص ۶۳۴؛ همو، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۵۸؛ همو، ۱۴۲۱ق، ص ۷۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۵۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۷؛ همو، ۱۴۱۹ق، ص ۳۹۸؛ بحرانی، آل‌عصفور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۷، ص ۷۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۱۳۴)

در عبارت علامه حلی چهار موضوع ذکر شده است:

الف) قربانی در ایام نحر و پیش از حلق واجب است؛

ب) تأخیر قربانی از حلق گناه است؛

ج) کفایت می‌کند و کفاره ندارد؛

د) تا آخر ذی حجه جایز و مجزی است.

ظاهر عبارت علامه حلی آن است که فقط در رعایت نکردن ترتیب، گناه کرده؛ اما تأخیر تا آخر ذی حجه جایز است، ولی برخی از این عبارت استنباط کرده‌اند که تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه نیز گناه است؛ هرچند که کفایت می‌کند. در نتیجه کسی که حلق یا تقصیر کرده و قربانی را تا آخر ذی حجه به تأخیر انداخته، مرتکب دو گناه شده: عدم رعایت ترتیب و تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه.

اردبیلی از قول علامه حلی در المنتهی آورده که تأخیر انداختن قربانی از ایام منا تا آخر ذی حجه نیز گناه است. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۵۶) بحرانی نیز می‌نویسد: علامه در منتهی فرموده که گناه است و در این موضوع اختلاف نیست. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۷، ص ۷۶)

اردبیلی و بحرانی از این سخن حلی و علامه (فلو آخره أثم و أجزاء و كذا لودبحه في بقية ذي الحجة جاز) استنباط کرده‌اند که در تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه نیز گناه است و واژه «کذا» را به معنای «أثم و أجزاء» دانسته‌اند؛ در حالی که عبارت علامه حلی در شرایع و عبارت علامه در منتهی برای موضوع دلالت ندارد؛ زیرا در تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه واژه «جاز» را آورده و «أثم» را نیاورده و «کذا» نیز به معنای همانندی در جواز است. از این رو به نظر می‌رسد در استنباط اردبیلی و بحرانی از قول علامه در منتهی خطا رخ داده است، افزون بر آنکه این سخن که به علامه در منتهی نسبت داده شده، آنجا یافت نشد.

موسوی عاملی از سخنان علامه حلی استنباط کرده که گناه نکرده است. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۲۷) حق آن است که از قول علامه حلی چنین مطلبی استنباط نمی‌شود و به عبارت حلی در شرایع دقت کافی نشده؛ زیرا واژه «کذا» به معنای کفایت

و گناه (أجزأ و أثم) نیست؛ بلکه صرفاً به معنای جواز (جاز) است؛ چنان که در پایان آن را تفسیر کرده و فرموده است: «جاز»؛ اما اگر منظور علامه حلی آن بود که کفایت می‌کند، اما گناه کرده، باید در آخر می‌فرمود: «أجزأ و أثم».

اصولاً واژه «جاز» با «أثم» سازگار نیست؛ یعنی هم اجازه داشته باشد و هم گناه کرده باشد. واژه «أثم» با «أجزأ» سازگار است؛ یعنی کفایت می‌کند، اما گناه کرده است. در نتیجه علامه حلی در شرایع چنین فتوایی ندارد.

نقد فتوای فقها

از ظاهر کلام کسانی که گفته‌اند تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه جایز است، برمی‌آید که این تأخیر اختیاری است؛ یعنی حاجی عمداً می‌تواند به تأخیر اندازد؛ هر چند در رعایت نکردن ترتیب بین حلق و قربانی گناه کرده است. در این صورت زمان قربانی در ایام منا بالعرض است (نه بالأصاله) و زمان قربانی بالأصاله تا آخر ذی حجه است.

بدیهی است که جواز تأخیر دو حالت دارد: اختیاری و اضطراری. اگر منظور جواز اختیاری است باید گفت که بر این جواز دلیلی ارائه نشده و قابل تأمل است؛ زیرا:

الف) قربانی باید در مجموعه اعمال حج انجام شود. در نتیجه ترتیب و توالی باید رعایت شود. رمی جمره، قربانی و حلق یا تقصیر، از اعمال حج در مناسبت و ایام منا در سه یا چهار روز پایان می‌یابد و در این صورت تأخیر جایز نیست. اگر فردی عمداً به تأخیر انداخت، گناه کرده است.

ب) روایاتی که می‌گویند زمان قربانی سه یا چهار روز است، دلیل‌اند که تأخیر قربانی عمداً تا پس از ایام تشریق جایز نیست.

ج) اصل آن است که قربانی بالأصاله زمان مند است و زمان آن همان ایام حضور در مناسبت.

د) زمان قربانی بالأصالة نمی تواند از دهم تا آخر ذی حجه باشد؛ زیرا کسی چنین فتوایی نداده و روایتی نیز بر آن دلالت ندارد.

ه) بر تأخیر قربانی از ایام منا هیچ روایتی دلالت ندارد و گفتیم که صرفاً فتوای فقهاست.

نتیجه آنکه تأخیر قربانی از ایام منا در حال اختیار جایز نیست و این حرمت، حکم تکلیفی است.

اما اگر منظور فقها، تأخیر در حال اضطرار یا نسیان و وجود مانع و... است، هر چند حق همین است، این موضوع در کلام آنها نیامده است.

نتیجه: تأخیر تا پس از ایام تشریق، بدون عذر موجه جایز نیست و پس از آن نیز واجب فوری است و هر زمان عذر بر طرف شد، باید انجام دهد.

ذبح در شب

شیعیان به ذبح در شب فتوا نداده اند و طبق برخی روایات برای کسانی جایز است که در شب رمی می کنند؛ از جمله روایت عبدالله بن سنان (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۹۴) و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام. (همان، ج ۱۴، ص ۹۴) این نیز دلیل است که قربانی تابع رمی است و باید در همان روزهایی انجام شود که رمی انجام می شود.

بررسی دیدگاه اهل سنت

اهل سنت در خصوص مکان و زمان قربانی به صورت جداگانه سخن نگفته و از مکان و زمان با هم بحث کرده اند و از این رو اینجا نیز با هم آورده شد. آنها در این موضوع اتفاق نظر دارند که پیش از عید قربان و پس از ایام تشریق و خارج از حرم جایز نیست؛ هر چند که در برخی موارد دیگر اختلاف نظر دارند.

۱. مالکی

مالکی‌ها زمان قربانی را سه روز می‌دانند؛ اما معتقدند در شب جایز نیست و کفایت نمی‌کند. آنها محل ذبح را منا، و ترتیب را لازم می‌دانند.

مالک می‌گوید: ترتیب باید رعایت، و پس از رمی در روز عید قربان و در منا قربانی انجام شود. شب‌ها قربانی جایز نیست و اگر در شب قربانی کند، قبول نیست و باید دوباره قربانی کند. وی زمان قربانی را سه روز در ایام منا دانسته و به آیه شریفه ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ...﴾ (حج: ۲۸) استدلال کرده‌اند که در آن از روزها نام برده شده و واژه لیالی نیامده است. (مالک، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۸۲) در نتیجه طبق نظریه روز موضوعیت دارد و در شب به هیچ عنوان کفایت نمی‌کند.

ابن عبدالبر محل قربانی حج تمتع را منا، و محل قربانی عمره را مکه می‌داند و معتقد است اگر حاجی در مکه و معتمر در منا قربانی کند، وظیفه‌اش را انجام نداده است. (ابن عبدالبر، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۴۲۲) وی به روایتی استدلال کرده که رسول خدا ﷺ در حج در منا فرمود: «تمام اینجا محل قربانی است» و نیز در عمره در مکه فرمود: «تمام اینجا محل قربانی است». (همو، ۲۰۰۰م، ج ۵، ص ۲۳۷)

ابن عبدالبر درباره ترتیب می‌گوید ثابت است که رسول خدا ﷺ رمی، ذبح و حلق را به ترتیب انجام داد، اما علما اجماع دارند که ترتیب مستحب است. او به روایت عبدالله بن عمر استدلال کرده که برخی تقدیم و تأخیر داشتند و رسول خدا ﷺ فرمود: «اشکال ندارد». این روایت از طریق شیعه نیز نقل شده است. وی این موضوع را اجماعی می‌داند. (بی‌تا، ج ۴، ص ۳۹۴)

خطاب رعینی می‌گوید اگر ذبح را پیش از رمی یا حلق را پیش از ذبح یا افاضه را پیش از ذبح یا حلق یا هر دو انجام دهد، اشکال ندارد. (خطاب رعینی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۸۷)

غرناطی با استناد به آیه شریفه «فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ»، (حج: ۲۸) می‌گوید روز شامل شب نمی‌شود؛ چنان‌که در آیه «سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ» (الحاقة: ۷) نیز تفکیک شده است. وی همچنین در این باره به سنت استدلال کرده است. (بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۶)

ابن رشد ابوالولید محمد افزون بر آیه شریفه، به این حدیث استدلال کرده است: «قربانی در روز عید و دو روز پس از آن است». بنابراین چون در روایت واژه «روز» آمده، اگر کسی در شب قربانی کند، پذیرفته نیست و باید اعاده شود. او می‌گوید هرکسی بر جواز قربانی در شب فتوا دهد، ستمی بزرگ کرده است. (ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۱۶۳) دیگر فقهای مالکی نیز همه تصریح کرده‌اند که قربانی در شب جایز نیست؛ در نتیجه اینکه قربانی باید در روز انجام شود، حکم وضعی است.

۲. حنفی

حنفی‌ها در این موضوع که زمان قربانی سه روز است با مالکی‌ها موافق‌اند؛ اما از این جهت که در حرم ذبح شود و منحصر به منا و در شب نباشد، با آنها اختلاف نظر دارند. از بسیاری از عبارت‌ها چنین برمی‌آید که زمان قربانی فقط روز عید قربان است؛ چون به «یوم النحر» تعبیر کرده‌اند و گفته‌اند پیش و پس از آن جایز نیست. حنفی‌ها ترتیب را شرط می‌دانند و معتقدند: اگر بین ذبح و حلق ترتیب رعایت نشود، کفاره دارد. بنابراین از این جهت با مالکی‌ها اختلاف دارند.

شیبانی می‌گوید قربانی کردن پیش از «یوم النحر» جایز نیست. (شیبانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۴) ابن مودود موصلی نیز می‌گوید: «ترتیب شرط است». وی به روایت عایشه از رسول خدا ﷺ استدلال کرده که فرمود: «اولین مناسک ما امروز آن است که رمی جمره انجام دهیم و سپس قربانی و آن‌گاه حلق کنیم». (موصلی، ۱۳۵۶ق، ج ۱، ص ۱۶۵) وی بر این موضوع که قربانی در حرم ذبح شود و مختص مناست، به آیه «هَذَا بَالِغُ الْكُفْبَةِ»

(مأئده: ۹۵) و آیه «حَقَّ يَنْلُغَ الْهَدْيُ» (بقره: ۱۹۶) و نیز به این روایت که رسول خدا ﷺ فرمود «تمام مکه محل قربانی، و تمام منا محل قربانی است»، (موصلی، ۱۳۵۶ق، ج ۱، ص ۱۸۵) استدلال کرده است. بدرالدین عینی نیز بروجوب ترتیب به حدیث عایشه استدلال کرده است. (بدرالدین عینی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۴۵)

شیخ نظام و گروهی از علمای هند (۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۶۱) و ابن مازه بخاری (۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۷۲) معتقدند اجماع است که در حج تمتع و قران باید روز عید و در منا قربانی انجام شود. قدوری در موضوع ترتیب می گوید در حج قران و تمتع اگر پیش از ذبح قربانی، حلق شود، باید یک گوسفند کفاره داد. (قدوری، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۹۳) سرخسی نیز بروجوب ترتیب به روایت عایشه استدلال کرده است. (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۴) در بسیاری از عبارت ها «یوم النحر» مفرد آمده و ظاهرش آن است که قربانی باید در روز عید قربان انجام شود؛ اما برخی «یوم النحر» را به سه روز تفسیر کرده اند؛ مانند طحاوی، (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۷۴۴) ابن نجیم مصری، (بی تا، ج ۳، ص ۷۷؛ ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۶۹) بدرالدین عینی (۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۸۷) و زیلعی (۱۳۱۳ق، ج ۲، ص ۹۰) پس هرچند در بسیاری از کتاب های فقهی حنفی ها اختصاص قربانی به یوم النحر آمده، اما برخی یوم النحر را به سه روز در منا تفسیر کرده اند.

۳. شافعی

شافعی ها قربانی را در روز عید، سه روز ایام تشریق و در روز و شب جایز می دانند؛ هرچند معتقدند قربانی در شب مکروه است؛ زیرا احتمال خطا وجود دارد و فقرا نیز حضور ندارند. حال اگر احتمال خطا منتفی باشد و فقرا نیز حضور داشته باشند، می توان گفت که مکروه نیست؛ چنان که امروزه گوشت قربانی در منا بین فقرا توزیع نمی شود. شافعی ها در خصوص ایام قربانی می گویند که اگر پیش از این چهار روز یا

پس از آن قربانی انجام شود، کفایت نمی‌کند. آنها ترتیب را شرط نمی‌دانند.

شافعی‌ها برخلاف مالکی‌ها و حنفی‌ها که ایام قربانی را سه روز می‌دانند، آن را چهار روز دانسته‌اند؛ اما در اینکه ذبح در حرم باشد و در شب نیز جایز است، با حنفی‌ها موافق، و با مالکی‌ها مخالفند. آنها در شرط نبودن ترتیب، با مالکی موافق، و با حنفی و حنبلی مخالفند.

شافعی معتقد است در منا یا مکه، در روز یا شب می‌توان قربانی کرد و قربانی در شب از آن جهت کراهت دارد که ممکن است خطا رخ دهد و درست ذبح نشود یا مستمندان حضور نداشته باشند. اگر این مشکل نباشد، کراهت ندارد. (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۸) شافعی درباره تقدیم و تأخیر می‌گوید که اگر پیش از رمی جمره ذبح کند یا پیش از ذبح حلق کند یا نسکی را بر نسک دیگر مقدم بدارد، اشکال ندارد و فدیة نیز ندارد. وی در این باره به روایت عبدالله بن عمر استدلال کرده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «لا حرج». (همان، ج ۲، ص ۲۳۶) ماوردی عیناً همین فتوا و استدلال شافعی را آورده است. (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۹۲) نووی نیز همین را می‌گوید. (نووی، بی تا، ج ۸، ص ۳۹۱)

۴. حنبلی

حنبلی‌ها گفته‌اند زمان قربانی سه روز است: روز عید و دو روز پس از آن. همچنین در حرم باید ذبح شود و شب نیز جایز است. از فقهای حنبلی‌ها تنها عثیمین می‌گوید زمان قربانی چهار روز است.

حنبلی‌ها با مالکی‌ها و حنفی‌ها در اینکه زمان قربانی سه روز است موافق هستند؛ اما در ذبح در حرم و جواز در شب با شافعی‌ها و حنفی‌ها موافق، و با مالکی‌ها که منا را ملاک می‌دانند، مخالفند. حنبلی‌ها ترتیب را شرط می‌دانند؛ اما معتقدند اگر از روی جهل و فراموشی انجام نداد، اشکال ندارد. آنها در اینکه اگر عمدی بود، آیا فدیة

دارد یا خیر، اختلاف نظر دارند.

ابن راهویه می گوید:

از احمد پرسیدم: «در چند روز قربانی می شود؟» او پاسخ داد: «سه روز؛ روز نحر و دو روز بعد از آن». پرسیدم: «در شب قربانی جایز است؟» گفت: «در روایت آمده دو روز بعد از روز نحر (یومان بعد یوم النحر) و نامی از شب نیامده است». (احمد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۶۷)

ابن قدامه شمس الدین پایان وقت ذبح را پایان روز دوم از ایام تشریق می داند؛ پس ایام ذبح سه روز است: عید قربان و دو روز پس از آن. وی به دیدگاه برخی صحابه و اینکه روزه های منا روزه های قربانی و ایام تکبیر و اکل و شرب است و و نیز روایت پیامبر ﷺ که فرمود: «ذخیره گوشت قربانی بعد از سه روز جایز نیست»، استدلال کرده است. (ابن قدامه المقدسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۷)

مباحث

مکان و زمان قربانی از دیدگاه مذاهب پنج گانه و نقد و بررسی قربانی در خارج از منا

عثیمین می گوید که در این باره چهار قول است: فقط روز عید، روز عید و دو روز پس از آن، روز عید و ایام تشریق و ماه ذی حجه. (عثیمین، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۴۶۰) وی این فتوا را که گفته اند ذبح فقط در سه روز است، نقد کرده، می گوید: «یا ذبح فقط در روز عید است یا در تمام ایام تشریق». او برای اثبات دیدگاه خود به مواردی استدلال کرده که به نظر می رسد بیشتر استحسان است. عثیمین در نهایت چهار روز را جایز دانسته است.

نتیجه گیری

قربانی از اعمال حج است و روایات و سیره بر این موضوع دلالت دارند که باید در منا انجام شود؛ اما از بررسی آیات و روایات این نتیجه به دست آمد که منا موضوعیت ندارد. اینکه تاکنون و همیشه در منا قربانی انجام می شده، اقتضای شرایط زمان های

گذشته بوده است.

قربانی از حیث زمان تابع رمی جمره است و بسیاری زمان آن را سه روز، و برخی چهار روز می دانند. اختلاف روایات ناظر بر همین موضوع است.

با آنکه بسیاری از فقها فرموده اند تأخیر قربانی تا آخر ذی حجه جایز است، اما دلیلی بر این جواز ارائه نداده اند. حق آن است که تأخیر قربانی از ایام مناجیز نیست.

منابع

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه آیه الله نجفی.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۵ق)، مسائل الإمام احمد و اسحاق بن راهویه، مدینه منوره، احمد سالک بن محمد الامین بن ابوه.
۴. ابن رشد؛ محمد بن احمد (۱۴۰۸ق)، البیان والتحصيل، بیروت، دار الغرب.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله (۲۰۰۰م)، الاستذکار، دارالکتب العلمیة.
۶. ----- (۱۴۰۰ق)، الکافی فی فقه المدينة المالکی، تحقیق: محمد محمد، مکتبة الرياض، الحدیثه، مملکة العربیة السعودیة.
۷. ابن قدامة المقدسی، شمس الدین (۱۴۱۵ق)، الشرح الكبير، مکتبة القاهرة.
۸. ابن مازہ بخاری، برهان الدین (۱۴۲۴ق)، المحيط البرهاني فی الفقه النعمانی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۹. ابن مودود الموصلی، عبدالله بن محمود (۱۴۲۶ق)، الاختیار لتعلیل المختار، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۰. ابن نجیم، عمر بن إبراهیم (۱۴۲۲ق)، النهر الفائق شرح كنز الدقائق، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۱. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹ش)، مجمع الفائدة والبرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

١٣. بدرالدين عيني، ابومحمد محمود بن احمد (١٤٢٥ق)، البناية في شرح الهداية، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٤. حائري طباطبائي، سيدعلي (١٤١٨ق)، رياض المسائل في بيان الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
١٥. حجاوي مقدسي، موسى بن أحمد (بي تا)، زاد المستقنع في اختصار المقنع، الرياض، دارالوطن.
١٦. حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
١٧. خطاب رعيني، شمس الدين محمد (١٤٢٣ق)، مواهب الجليل في شرح مختصر خليل، بيروت، عالم الكتب.
١٨. حلي، جعفر بن حسن (١٤٠٨ق)، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، قم، اسماعيليان.
١٩. زيلعي، فخرالدين عثمان (١٣١٣ق)، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق، قاهره، دارالكتب الاسلامي.
٢٠. سبزواري، محمدباقر بن محمد مؤمن (١٣٤٧ق)، ذخيرة المعاد في شرح الارشاد، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٢١. ----- (١٤٢٣ق)، كفاية الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٢٢. سرخسي، محمد بن احمد (١٤١٤ق)، المبسوط، بيروت، دارالمعرفة.
٢٣. شافعي، محمد بن ادريس (١٤١٥ق)، الام، بيروت، دارالمعرفة.
٢٤. شهيد اول، محمد بن مكي (١٤١٧ق)، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٢٥. شهيد ثاني، زين الدين بن علي (١٤١٣ق)، مسالك الأفهام في شرح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.
٢٦. شيباني، محمد بن الحسن بن فرقد (بي تا)، المبسوط، كراتشي، إدارة القرآن.
٢٧. شيخ صدوق، محمد بن علي (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم.
٢٨. شيخ نظام و جماعة من علماء الهند (١٤١١ق)، الفتاوى الهندية، قم، دارالفكر.
٢٩. طوسي، محمد بن حسن (١٣٩٥ق)، الاستبصار في ما اختلف من الأخبار، دارالكتب الإسلامية.
٣٠. ----- (١٣٧٥ق)، الاقتصاد الهادي الى طريق الرشاد، كتابخانه جامع چهل ستون.

۳۱. ----- (۱۳۸۷ق)، **الجمال والعقود فی العبادات**، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۳۲. ----- (۱۳۸۷ق)، **المبسوط**، تهران، المكتبة المرتضوية.
۳۳. ----- (۱۴۰۰ق)، **النهاية**، بيروت، دارالكتب العربي.
۳۴. ----- (۱۴۰۷ق)، **تهذيب الأحكام**، تهران، دارالكتب الإسلامية.
۳۵. ----- (۱۴۱۱ق)، **مصباح المتهجد**، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، چاپ اول.
۳۶. عثيمين، محمد بن صالح (۱۴۲۲ق)، **الشرح الممتع**، السعدي، دار ابن الجوزي.
۳۷. علامه حلي، حسن بن يوسف (۱۴۲۰ق)، **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الامامية**، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۳۸. ----- (۱۴۱۴ق)، **تذكرة الفقهاء**، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۳۹. ----- (الف-۱۴۱۳ق)، **قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام**، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۴۰. ----- (ب-۱۴۱۳ق)، **مختلف الشيعة في احكام الشريعة**، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۴۱. ----- (۱۴۱۲ق)، **منتهى المطلب في تحقيق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
۴۲. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **كشف اللثام عن قواعد الاحكام**، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۴۳. قدوری، احمد بن محمد (۱۴۱۸ق)، **مختصر القدوري**، بيروت، دارالكتب العلمية.
۴۴. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق)، **الكافي**، دارالكتب الإسلامية.
۴۵. مالك بن أنس (۱۴۱۳ق)، **موطأ الإمام مالك**، (رواية محمد بن الحسن)، دمشق، دارالقلم.
۴۶. ----- (۱۴۱۵ق)، **المدونة**، بيروت، دارالكتب العلمية.
۴۷. ماوردي، علي بن محمد (۱۴۱۹ق)، **الحاوي الكبير**، بيروت، دارالكتب العلمية.
۴۸. محقق كركي، علي بن حسين (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد في شرح القواعد**، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۴۹. مرداوي، علاء الدين أبو الحسن علي (۱۴۱۹ق)، **الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الامام احمد بن حنبل**، دار إحياء التراث.
۵۰. موسوي عاملي، محمد بن علي (۱۴۱۱ق)، **مدارك الأحكام**، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۵۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الكلام**، بيروت، دار إحياء التراث العربي.